

# اسناد تاریخی

○ نامه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به شهید آیت‌الله مصدوقی

○ اسنادی از دوران پیروزی انقلاب اسلامی

○ تاریخچه تجدید فعالیت فراماسونها در ایران

○ اسناد از فساد سخن می‌گویند

## نامه حضرت آیت ا... خامنه‌ای به شهید آیت ا... صدوقی

### پیرامون

### «اهمیت نقش روحانیت در هدایت مبارزه مردم مسلمان»

سندی که پیش روی دارید، نامه‌ای است از رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت ا... خامنه‌ای، که خردادماه سال ۱۳۵۷ از تبعیدگاه خود - ایرانشهر - به (شهید) آیت ا... صدوقی نوشته‌اند. این نامه، در پیروزی انقلاب اسلامی به صورت اعلامیه تکثیر و در شهرهای ایران پخش شده است. شهربانی خراسان یک نسخه از آن را برای ساواک استان فرستاده و از آنجا نیز به ساواک مرکز ارسال شده است.

سند موصوف را به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی - دهه فجر - منتشر می‌کنیم تا حال و هوای اوج نهضت انقلاب اسلامی بار دیگر برای همگان تداعی شود.

این سند، از آن جهت اهمیت دارد که، نشان می‌دهد چگونه رهبران انقلاب اسلامی با آگاهی تمام، برای حاکمیت اسلامی ناب محمدی و جلوگیری از انحرافات فکری و بی‌اثر کردن توطئه‌های دشمن، دست به جهادی بی‌مانند زده‌اند.

سند، حاوی یک تحلیل واقع‌گرایانه از نهضت انقلاب اسلامی و راههای پیروزی آن می‌باشد که در ابتدا به جایگاه و نقش روحانیت در طول تاریخ می‌پردازد و اشاره‌ای به کاستی‌های آن می‌کند، آنگاه وظیفه روحانیت را در آن مقطع مهم گوشزد می‌ماید و به فراگیری همه‌جانبه انقلاب اسلامی که همه اقشار و اصناف را در زیر بیرق خود به حرکت درآورده، و اینکه حدود چهار منطقه‌ای را در نور دیده و به یک جنبش سرتاسری که تا اقصی نقاط ایران و روستاها نفوذ کرده است، پرداخته و به این سؤال پاسخ می‌دهد که: «چرا سرعت نهضت در همان آغازین حرکت خود، کند شد؟» و سپس به توطئه‌های رژیم شاه می‌پردازد که: چگونه رژیم می‌خواهد با ایجاد اختلاف، رعب و وحشت، دستگیری رهبران انقلاب، به تردید واداشتن آنان، و سرگرم کردن مردم به مسائل انحرافی، انقلاب را به شکست وادارد.

در نهایت، راه جلوگیری از عملی شدن این توطئه‌ها را، تحزب و سازماندهی مردم می‌داند که آنها را عمیقاً به آنچه می‌خواهند و آنچه باید انجام دهند آموزش دهند.  
در پایان تذکر دو نکته لازم است:

۱. نامه در اوج نهضت اسلامی صادر شده است که وحدت بین علما و مراجع از اهمیت حیاتی برخوردار بوده است، در عین حال که ایدئولوژی انقلاب باید از اندیشه‌های الحادی در امان بماند.

۲. بعضی از کلمات نسخه موجود در پرونده‌های ساواک ناخوانا بوده است که برای حفظ امانت، از اجتهاد خودداری شده

«بسم الله الرحمن الرحيم»

محضر مبارك حضرت مستطاب آیت الله آقای حاج شیخ محمد صدوقی  
مدظله العالی

بعد از سلام و التحية خبرهای بشارت آمیزی که از آن حضرت در موضع مغز متفکر و قلب تپنده و زبان گوینده شهر یزد پی در پی می‌رسد موجب سپاس و مسرتی عمیق و عقلانی نه زودگذر و عاطفی است. حق هم همین است اگر جامعه علمی مذهبی شیعه که هزار سال است کباده استقلال از قدرتهای سیاسی را کشیده و همواره به معارضه با قدرتها و سلطه‌های ناحق افتخار می‌کرده و به جانب‌داری از مستضعفین و محرومین مباهی بوده، در وضع و حال بحرانی و حساسی مانند امروز، به داد مردم نرسد و با طواغیت این زمان نستیزد، پس کی و کجا وظیفه خود را انجام خواهد داد. غاصبین ولایت الهی از مهمترین ابزارها و وسائل قدرتمندیشان در طول تاریخ، جلب حمایت رجال دینی بوده است و برای تأمین این منظور از هیچ فریب و ریا و یا زور و تحمیلی فروگذار نکرده اند زیرا مردم دیندار اگر آن قلدران و زورگویان را تحمل نمی‌کرده اند از قبول رجال مذهب ناگزیر بوده و تخلف نمی‌دانسته اند. اگر چه رنگ غالب در روحانیت شیعی معارضه و مخالفت با ستمگران است و نه رکود و موافقت، با این حال شرمسارانۀ اعتراف باید کرد که در مواردی نه چندان اندک و در گذشته‌ای نه چندان دور، کسانی از علما خواه به سبب ناآگاهی از اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی، و خواه بر اثر ضعف

و فقدان شهامت و قدرت و تصمیم و خواه به تصور وجود مصلحت و منفعتی موهوم، وظیفه الهی و مردمی خویش را به دست فراموشی سپرده و عملاً در موضع روحانیتی وابسته و مزدور قرار گرفته اند. و در همان حال که می پنداشته اند در راه خدا گام می نهند، آب به آسیاب شیطان می ریخته اند، و هم یحسبون انهم یحسبون صنعا.

و چنین شده است که حتی دانش و زهد غیر قابل انکار برخی از این حضرات مانند جهالت و شقاوت برخی دیگر در خدمت مطامع و اغراض طواغیت در آمده و همه با هم در راه ناکامی ملتها و تیره روزی و بی نصیبی آنان از دنیا و آخرت به کار افتاده است. امروز روزی است که مردان خدا کفاره بی توجهی‌ها یا نادراستی‌های اسلاف خود را بردارند و دین خود را به خدا و خلق با غرامت دیر کرد سالها تأدیه کنند.

آنچه امروز حکام گستاخ و حق ناپذیر ایران را به حیرت و وحشت انداخته، هوشیاری و موقع شناسی جامعه علمی و مذهبی روحانیت است و معرفتش بر لحظه حساس کنونی جهان و کشورهای مسلمان. زیرا آگاهی روحانیت آگاهی ملت است و تصمیم و عزم قاطعش، در پی دارنده عمل و اقدام ملت. مبارزه یک صنف چندان خطری برای رژیمهای ضد مردمی در بر ندارد. دانشجو، روشنفکر، طلاب، و حتی کارگران و اصناف به تنهایی هیچکدام خطری برای این رژیمها محسوب نمی شوند. می توان با شیوه های رایج همه جایی و همیشگی، گروه مبارز را از سایر قشرهای ملت بریده و منفصل کرد و با سلاح تهمت و هر سلاح دیگر - که البته برای یک دستگاه مقتدر دور از دسترس نیست - حتی به دست برادرانش یعنی دیگر قشرها و گروه ها ناپود، یا ساکتش ساخت. آنچه خطر جدی و بزرگ را تشکیل می دهد مبارزه ملت است. وقتی همه قشرها از دانشجو و طلبه تا کارگر و کشاورز و تا علمای بزرگ و مراجع و اصناف و پیشه وران و تا کارمندان و مأموران دولتی ... یک دل و یک جهت زبان به اعتراض گشودند و دل به مقاومت نهادند، وقتی همه چشمها باز شد و همه دانستند که چه می گذرد و چه فلاکتی بر آنان سایه افکنده و چه ستمی بر آنان می رود، وقتی همه گوشها و دلها غریو فرمان قرآن و اسلام را در زمینه و جوب تغییر بر بدی و ستمگری و نابرابری و ناحق گرایی شنید و [ ] وقتی که همه دانستند و همه خواستند و همه تصمیم گرفتند و همه دست به اقدام زدند، آن وقت است که خطر برای غاصبان منصب

ولایت خدا جدی و علاج ناپذیر است .

چه موقع و چگونه همه ملت بسیج می شود؟ و چه کسی و یا چه گروهی می تواند از عهده این مهم برآید؟

در وضع کنونی و اصولاً بنا بر چگونگی بافت و [سیره]۱ . ملت مسلمان ایران، تنها گروهی که می تواند همه ملت را بسیج کند جامعه علمی مذهبی روحانیت است، و نه هیچ گروه دیگر ...

و بدین صورت است که همواره روحانیت در بطن خود بالقوه حامل خطری بزرگ علیه قدرتمندان بوده است و هم بدین جهت است که در سی و چند سال گذشته حکومت ایران همیشه خواسته است خود را طرفدار علمای دینی قلمداد کند و حتی در همان حال که کسانی از آنان و گاه بهترین و شریفترین عناصر آن را مورد وحشیانه ترین خشونتها قرار می داده، از کوشش برای جلب نظر دیگران خودداری نمی کرده و بی شرمانه باز هم سنگ طرفداری از رجال دین را به سینه می زده است . در همین حوادث اخیر مشاهده شد که چگونه با فاجعه خونینی که در قم مرکز روحانیت شیعه - و حتی در حریم منازل مراجع معظم تقلید آفریدند - از تکرار فضاحت آمیز آن حرفها فراموش نکردند .

و نیز بدین جهت است که علیرغم این تظاهر به جانبداری از دین و رجال دینی، سنگین ترین ضربه ها از سوی قدرتمندان بر جامعه علمی - مذهبی و البته بر قشر مترقی و بالفعل مبارز آن وارد گردیده است .

باری، امروز مبارزه رنگ تازه و بی سابقه ای یافته است و آن همگانی و مردمی شدن آن است حتی روزنامه های مزدور و ننگ آفرین ایران به نقل از مقامات مسئول خبرهایی در این زمینه داشتند، البته به ظاهر برای نمایش دموکراسی و آزادی مطبوعات و در معنا برای نوعی ارعاب و اعلام خطر و اظهار شوک . اما در نتیجه - نتیجه ای که به هیچ وجه قصد آن را نداشتند - که حامل یک واقعیت، واقعیتی که رساترین و واضح ترین پیام این خبرها بود و آن عبارت بود از گسترش دامنه قهر و خشم عمومی تا شهرهای کوچک و تا روستاهای دور افتاده . از جمله این خبرها آن بود که کسانی در روستاهای آذربایجان یا خراسان و یا ... که نوار سخنرانیهای گویندگان و علمای مذهبی یا اعلامیه مراجع تقلید را با خود داشته و یا دست اندر کار پخش یا تکثیر آن بوده اند بوسیله مأموران دستگیر

۱ . احتمالاً «سیره» می باشد .

شده اند. این یک پدیده بی سابقه است که همه قشرهای ملت زبان به اعتراض بگشایند و به شکلی فعال وارد جریانات عمومی و سیاسی شوند و این پدیده را شرکت و دخالت و اقدام فعال علمای بزرگ در مبارزه بوجود آورده است. در نیم قرن اخیر بیش از یک بار دیگر هم چنین چیزی پیش آمد. و آخرین بار پانزده خرداد سال ۴۲ بود. در آن ماجرا نیز سلسله جنبانی علما بانی اصلی این پدیده محسوب می شد. در آن هنگام حکومت وسیله ای که برای در هم شکستن نهضت عمومی مورد استفاده قرارداد، از طرفی ایجاد رعب و وحشت بود هم در دل عامه مردم از طریق خون ریزی و قتل و عام و هم در دل عناصر زبده از طریق فشارها و شکنجه های داخل زندان و سختگیریهای بی سابقه و ارجاع به دادگاههای نظامی در بسته با قضات وابسته و گوش به فرمان صدور احکام ظالمانه به بهانه های کوچک که موارد فراوان آن را می دانید و می دانیم. از طرف دیگر ایجاد تردید و خلل در عزم راسخ علمای بزرگ و نفوذ در جو فکری ای که آنان را احاطه کرده بود از راه ترویج افکار انحرافی و اثبات این مطلب که حکومت از نظر و راه خود بر نمی گردد و هر اقدامی جز این که خونهای بیشتری ریخته شود و عناصر شریف تری از بین بروند اثر دیگری ندارد (که در بیانات مرحوم آیت الله میلانی به صراحت شنیده می شد) یا اینکه این اقدامات، حکومت را گستاخ تر می کند و اجرای تصمیم های ضد دینی آن را جلو می اندازد (که یکی از اساتید معروف و معتبر قم اظهار می کرد) یا اینکه کار از این حرفها گذشته و خطاهای گذشته ای را که روحانیت با عدم دخالت خود موجب گشته دیگر به هیچ وجه نمی شود جبران کرد و باید به همه چیز تن در داد (که مضمون اظهارات یکی دیگر از اساتید بزرگ قم بود). پیداست که چنین طرز فکریهایی اولاً چه بروز یک نهضت می آورد و ثانیاً در اصل کجا می شود و با چه وسایلی در ذهن آقایان علما نفوذ می کند و از طرف دیگر فلج کردن مراکز روحانیت بود از طریق: محدود و زندانی ساختن مغزهای متفکر و دستهای فعال در طول سالهای میانه ۴۲، ۴۳ تا ۵۰ عناصر برگزیده روحانیت و فضیلا بزرگ که در حقیقت روح و محتوای اصلی حوزه های علمیه را تشکیل می داده اند غالباً در زندانها و سلولها و تبعیدگاهها به سر برده اند. نمونه های متعدد آن را خود جناب عالی کاملاً شناخته و دانسته اید.

این نمونه ای بود از اقداماتی که حکومت ایران پس از پانزده خرداد ۴۲ برای خنثی کردن نهضت رو به توسعه ملت انجام داد البته تدابیر و شیوه های دیگری نیز بکار رفته

است که فعلاً نیازی به ذکر آن نیست ولی این نکته به عنوان جمله معترضه شنیدنی است که حکومت ایران پس از خرداد ۴۲ هر راه ممکن را برای خاموش کردن نهضت پیمود جز یک راه. راه تأمین خواسته های مردمی که بر ضد آن قیام کرده بودند. برای نمونه یک اقدام را نمی توان نشان داد که دستگاه حاکم به عنوان پاسخ مثبت به خواست مردم انجام داده. یک گام به سوی مردم پیش آمده باشد. آنها که معتقدند رژیم ایران طبیعتاً و ذاتاً ضد مردمی و رژیم خودکامه است از جمله به چنین دلیل ها تمسک می جویند.

البته به همان اندازه که کوشش دستگاه حاکم ایران برای خاموش کردن ملت قابل پیش بینی بوده و هست، به نتیجه نرسیدن این کوشش و خنثی شدن نقشه ها و بیهوده درآمدن زحمات آن نیز بنابر جهان بینی اسلام قابل پیش بینی و مورد انتظار است. زیرا این دستگاه به موجب باطل بودن و ناحق بودنش محکوم به شکست و زوال است و در صورتی که نیروی پایدار مقاومتی در برابر آن موضعگیری کند به موجب حق بودنش مبشر به فیروزی و نیک سرانجامی است. لذا سنت الهی در بقا و تداوم جریان مبارزه عمومی، عمل کرد: عنصر به شدت مقاوم و خستگی ناپذیری چون حضرت آیت الله العظمی خمینی موضع آشتی ناپذیر خود را همچنان حفظ کرد. تبعید ایشان به ترکیه و سپس عراق عرصه را بیش از پیش بر دستگاه حکومت تنگ کرد. پیامهای ایشان، سردی ها و خموشی ها را جبران نمود. فضلالی حوزه ها از هر زندان و بازداشتی دستاورد و غنیمت معنوی تازه ای با خود آوردند. عناصر جدید و چهره های جالبی در چشم انداز صحنه مبارزه نمودار شدند. شعله مبارزه که در برابر طوفان زوال پذیر خشم دستگاه فروکش کرده بود، آتشی دیرنده [دیرینه]<sup>۱</sup> و با دوام بسیاری را پخته و ساخته کرد. رگه های تازه ای که فصول تازه ای را در مبارزات مردم مسلمان ایران باز می کرد پدید آمد. و خلاصه مکر و کید دستگاه بی نتیجه و خنثی شد و مبارزه به راه طبیعی خود ادامه داد.

با این همه، تردید نمی توان داشت که تدابیر ضد مردمی دستگاه در کند کردن آهنگ نهضت عمومی و ملی بسیار مؤثر بود یقیناً اگر حيله ها و نقشه های دستگاه شتاب نهضت عمومی را متوقف نمی ساخت امروز در مرحله دیگر و پیشتری قرار می داشتیم و جریانات رنگ دیگری می داشت.

امروز وضع تفاوتی بسیاری کرده است. ملت، پس از ۱۵ سال تجربه، دوباره در

۱. احتمالاً «دیرینه» می باشد.

مرحله نهضت عمومی و مردمی قرار دارد و البته امروز هم با همه دستاوردهای انقلابی، خطر تلاشی شدن این نهضت به وسیله توطئه‌ها و روشهای محاسبه شده‌ای که توسط مغزهای مأمور و مزدور و با کارشناسی متخصصان خارجی در کمین مردم است وجود دارد یقیناً امروز به برکت هوشیاری نسبی توده‌ها و رهبران، این خطر ضعیف‌تر است ولی به هر حال هست. پس تا وقتی که این توطئه‌ها شناخته نشود مقابله با آن امکان‌پذیر نخواهد بود.

اولین و اصلی‌ترین توطئه‌ها از سوی دستگاه حاکمه است که فعلاً طرف اصلی قضیه است. با شیوه‌های معمولی و همیشگی و نیز با شیوه‌های جدید:

۱- از راه ایجاد اختلاف و تفرقه میان سران: با بزرگ جلوه دادن اختلافهای غیر مهم مانند آنچه امروز میان یکی از مراجع تقلید با آقا هست. آقا با اساس مخالفت می‌کنند و آن آقا فقط به نقض قانون اساسی اعتراض دارند. این دو نظر حاوی یک اختلاف اصولی نیست بلکه حتی با توجه به جوانب قضیه و با توجه به جوانب قضیه و با توجه به تشکیلات کنونی حکومت نمی‌خواهد و نمی‌تواند قانون اساسی را مراعات کند می‌توان گفت نظریه مزبور اساساً با یکدیگر منطبق است. اما ملاحظه فرمودید که ایادی مستقیم و غیرمستقیم چگونه این موضوع را بزرگ و برجسته کرده و برخ همه کشیدند. و نیز با ایجاد کدورتها و بی‌توقعی‌ها میان علما و سایر سران و سردمداران و میان علماء با هم مانند مطرح کردن یک نفر به عنوان طرف قابل سازش و بدبینی کردن دیگران به او و ... و نیز سخت‌گیری نسبت به یک نفر یا یک جناح از سران و فعلاً اغماض از دیگران که امکاناً موجب تنها ماندن آن فرد آن جناح و فاصله افتادن او و دیگران است ... و نیز با ایجاد شایعاتی له یا علیه بعضی و نیز با ایجاد تردید و ابهام در ذهن بعضی از سران با دادن وعده و امید به بعضی و بدین وسیله بیرون کشیدن آنان از صفوف مردم و ...

۲- از راه ایجاد رعب و بوسيله سخت‌گیری و شدت عمل: کشتار و زندانهای طولانی، دادگاههای نظامی، تهدید در نطقها و مصاحبه‌ها و ...

۳- از راه برچیدن و جدا کردن و به زندان انداختن یا تبعید عناصر فعال و مبتکر.

۴- از راه وارد آوردن تهمتها و پاشیدن بذر تردید و ابهام در ذهن مردم و ایجاد خدشه در باور قاطع آنان.

۵- از راه سرگرم کردن مردم به قضایا و مسائل مصنوعی و ایجاد کانالهای انحرافی



برای توجه ذهنی و احساس آنان .

۶- از راه اظهار مسالمت و روی خوش نشان دادن به سران و امیدوار ساختن آنان به اینکه کار از طریق مذاکره و توافق بیشتر قابل پیشرفت است .

۷- و از راههای گوناگون دیگر ...

آن است که در کنار توطئه‌های دستگاه حاکمه ، در انتظار ضربه‌های دشمنان دیگری نیز باید بود که اگرچه قوت و قدرت دستگاه نیستند با این حال هرگز نمی‌توان آن را بی‌اثر دانست . این ضربه‌ها که عموماً متوجه مردمی شدن و گسترش این نهضت است ، از سوی جناحهای متضادی است که علی‌العجله در کوبیدن نهضت کنونی و یا صرف کردن آن همدستانند . یکی از این جناحها جمع وابستگانه به ایدئولوژی علی‌الحادی‌اند که با توجه به صدها اختلاف و شقاق و نفاق که در میان خود دارند نام «جمع» بر آنان گذاشتن خالی از مسامحه نیست . این حضرات پیشبرد کار خود و دست یافتن به هدفهای سیاسی و مسالکی خود را در زمینه نفوذ و گسترش مذهب ناممکن می‌دانند خیلی طبیعی است که کینه‌ای تمام نشدنی به مذهب ورزیده و حتی تأمین شدن آرمانهای انسانی خود را به وسیله اسلام و نظام اسلامی نادیده گرفته تا آنجا که قدرت و امکان دارند با گسترش نهضتی که به نام اسلام با شعارهای مذهبی و با شرکت فعالانه رهبران مذهبی پا گرفته و اوج یافته است بستیزند . تعبیرها و تفسیرهای تحقیرآمیزی که نسبت به حوادث اخیر در اظهارات آنان دیده می‌شود بخشی از عکس‌العمل ناموافق آنان در برابر این نهضت است . تعبیر «رفورمیستی» بودن این نهضت که گاهی از زبان بعضی از بچه‌های خود ما هم شنیده شود ، مربوط به این آقایان است . بلای بزرگی که بر ذهن و عمل این حضرات مستولی است همان بلای همیشگی است قالبی فکر کردن و کپی‌ای گفتن و اندیشیدن . در این حرکت اگر به ماهیت و روح آن و به شعارهای رایج توجه می‌شد هر آدم بی‌غرضی می‌توانست به آسانی بفهمد که این جز یک حرکت انقلابی نیست . نام و عنوان حکومت و نظام اسلامی «یا» اجرای مقررات اسلامی چیزی جز مطالبه یک دگرگونی بنیادی نیست . دگرگونی‌ای نظام عادلانه و انسانی اسلامی را به جای نظام مشرکانه و طاغوتی موجود می‌گذارد . جناح دیگر ، جناح مسلمانان ترقی‌خواه ولی بی‌حوصله و کم‌اطلاع است که با وجود دارا بودن انگیزه‌ها و [۱]

۱ . یک سطر مفهومی و خوانا نیست .

افزایند. و چنین به نظر می‌رسد که فعلاً مهمترین اهتمام و هدف گیری این دسته کوبیدن روحانیت است. وجود قشر مترقی و مبارز روحانیت و کمکهای انکارناپذیری که عناصر ارجمندی از روحانیون در سطوح مختلف به شالوده ریزی انقلاب ایران کرده و می‌کنند موجب آن نشده است که اینان در موضع گیریهای خود در مقابل روحانیت اندکی تأنی و پختگی بکار برند و حداقل چنین کلی و استثناء ناپذیر سخن نگویند: سخنی که امروز برای هیچ نگرنده با انصافی قابل قبول نیست. حتی دیده و شنیده شده است که نسبت به برخی از فداکارترین و وجیه ترین چهره های جامعه علمای مذهبی نیز برداشتی منصفانه نداشته و ابراز نکرده اند. از نظر آنان نهضت کنونی ملت ایران که علمای مذهبی و رهبران اسلامی در آن نقشی تثبیت شده دارند، به همین دلیل مردود است و بنابراین از کارشکنی تا آنجا که مقدورشان باشد کوتاهی نمی‌کنند. بی آنکه فعلاً تفسیر کاملی از روش این دسته [۱] بی دست و پا ضرور باشد فقط این را عرض می‌کنم که به نظر بعضی عمده ترین مخالفت آنان با قشر مترقی و مبارز و آگاه روحانیت این است که احساس می‌کنند به طور عمده فقط در برابر این قشر است افکار التقاطی و خام و بی مبثائی که احیاناً به عنوان زبده ترین تفکرات اسلامی در بازار آشفته کنونی [۲] می‌کنند، قابل عرضه کردن و دفاع کردن نیست و لفاظی های شبه انقلابی و مدرنیزه کردن کلمات و عبارات می‌تواند باطن پوچ و مزور آن را از نظر اینان پوشیده بدارد. جناح دیگر را عناصر خشک و متحجر به اصطلاح مذهبی تشکیل می‌دهند که حرفها و ایرادهای آنها را سالهاست که می‌شنویم و تکرار آن و جستجو از علل و انگیزه های آن زائد است.

اکنون در برابر این جناحها و توطئه ها و ضربات کوبنده شان مائیم و ایدئولوژی اسلامی و مردمی منتظر مشتاق و گوش به فرمان و این موجودی ارزنده - که خصما و رقبای ما از آن تهیدستند - چیز اندکی نیست. باید قدر آن را شناخت و چگونگی استفاده از آن را دانست مهمترین اقدامی که می‌تواند در چنین شرایطی جامعه علمای مذهبی را در رسیدن به هدفهایشان یاری کند، کوشش برای ایجاد تشکل و تحزبی سراسری و ملی است. این کار، علما نباید به «خودمحوری» و نادیده انگاشتن نیروهای کارآزموده و

۱. کلمه مورد نظر خوانا نیست.

۲. کلمه مورد نظر خوانا نیست.

کاردان و وجیه الملة] <sup>۱</sup> شوند و دستهای نیرومند و صدیقی را که یقیناً آماده همکاری است پس بزنند یا ارجی کمتر از آنچه شایسته آنان است بنهند و نه مانند بسیار مواقع دیگر، کار را به افکار موثق و مورد اطمینان!! بسپارند و از صحنه خارج شوند. این هر دو شیوه رفتار که در دو طرف افراط و تفریط واقع شده در گذشته خسارات زیادی موجب گردیده است و باید هرگز تکرار نشود. عادلانه و غافلانه ترین روش، شرکت فعال و مستقیم علما است. آنان در کنار سایر عناصر ارزنده و لایق مانند شرکای مساوی الحقوق باید به فعالیت در چنین شکل و تحزبی] <sup>۲</sup> باشند. بدیهی است که در هر کار مشترکی، امکانات بیشتر موجب فعالیت بیشتر و موفق تر است. و این به نوبه خود مستوجب اختیارات و حقوق افزون تر. اگر علمای متعهد و ملتزم بتوانند با استفاده از امکانات بسیار وسیع ابتکار و صمیمیت و فداکاری و خطرپذیری و تلاش خستگی ناپذیر را نیز توأم سازند به طور طبیعی رهبران شکل همگی خواهند بود. نکته بسیار مهم آن است که موفقیت در آن مرحله متوقف است برای ایجاد تشکل دیگری در داخله روحانیت و حوزه های علمیه و میان حوزه ها با علمای مترقی و روشنفکر ولایات.

در وضع کنونی که جای آن چنان تشکل و تحزبی خالی است و دسترسی به آن فوریت میسر نیست، می توان با دیگری خلاء موجود را تا حدودی پر ساخت. دسترس ترین و مؤثرترین این وسایل همین مجالس و محافل است که خوشبختانه همیشه و همه جا در شرایط بحرانی و حساس کنونی به طور ویژه در بسیاری از شهرستانها و به تقریباً استثنایی در شهر شما - بارکه الله فیها و فیکم و فی اهلها - تشکیل می گردد.

این مجالس که در ماهیت اسلامی آن هیچکس تردید نمی تواند داشت، در امر حکم یک مجتمع عمومی است از آحاد ملت و از وابستگان قشرهای مختلف مردم، که هیچ حد و مرزی نمی شناسد. و هیچ تیپ و قشر به خصوصی را طرد یا جذب نمی کند و همه می توانند در آن پیاموند و تصمیم بگیرند و رأی بدهند و اقدام کنند. این فرصتی است که حکام ایران با همه تضییقات و فشاری که ایجاد کرده اند نمی توانند از دست ما

۱. کلمه مورد نظر خوانا نیست.  
 ۲. کلمه مورد نظر خوانا نیست.

نامه حضرت آیت ا... خامنه ای به شهید آیت ا... صدوقی

بگیرند. تعطیل مسجد حظیره همان اندازه برای دستگاه خطرناک است که ادامه آن. اگر امروز مردم در آن می آموزند و هیجان می یابند، آروز در گرد آن طوفانی از خشم برپا خواهند کرد، لااقل در کوتاه مدت متضمن خطر بیشتری برای دستگاه است تعطیل مراکز علمی و تبلیغی در سراسر ایران برای دستگاه خاطرۀ شیرینی به یادگار نگذاشته است و تجربه دلگرم کننده ای نبوده است.

از این فرصت مغتنمی که زائیده ضعف و اختلال نظام حاکمه است - و این نیز خود معلول سنتهای حتمی است - علما و منادیان دین باید حداکثر بهره را ببرند. مجامع مذهبی باید به کلاس درسهایی بزرگ و [۱] تبدیل شود. موادی که در این کلاسها تدریس می شود در درجه نخست باید تبیین اسلام باشد و تشریح کلی که این آیین جاویدان بر آن بنا شده و نظام حق و عادلانه ای که برای بهزیستی انسان و رستگاری و نیک [۲] او پیشنهاد کرده و خطوط اساسی که برای اقامه و تداوم این نظام ترسیم نموده و راهی که به سوی [۳] و استقرار این نظام در برابر مؤمنان و معتقدان به این دین قرار داده است.

و سپس تشریح وضع موجود جامعه ای که این مردم در آن زندگی می کنند. و بیان واقعیتهای دردبار و فاجعه آمیزی که در آن می گذرد و محرومیت و ستم و اهانتی که انسان در آن می کشد و می بیند و بیان مباینت این همه [۴] و یا وضع و نظامی که اسلام برای انسان و برای پیروان خود خواسته و تعیین کرده است و تبیین و تشریح اختلافات سیاسی و فکری ای که امروز بر دنیا حاکم است و پرده برداری از خصومتی که سردمداران جهان امروز دارند و احساس خطری که از آنان می کنند، و خلاصه بالا بردن درک و شعور سیاسی مردم.

و آنگاه بیان وظیفه ای که مردم مسلمان در برابر اسلام و انسان و تاریخ و آینده دارند و مسؤولیت بزرگی که علی الخصوص در این لحظه حساس تاریخی بر دوش آنان است و خسارت و حشت آوری که در صورت باخت در این مرحله دستگیرشان خواهد شد که جبران آن به آسانی میسر نخواهد بود و بررسی عللی که بعضی از مردم را به بی تفاوتی و حساسیت نسبت به جریانات موجود ایران و جهان وادار می سازد. و کوشش برای خنثی

۲. کلمه مورد نظر خوانا نیست.  
۴. کلمه مورد نظر خوانا نیست.

۱. کلمه مورد نظر خوانا نیست.  
۳. کلمه مورد نظر خوانا نیست.

کردن این علل که برخی [ ۱ ] و ناشی از ناآگاهی از اسلام و جهان، و برخی روایتست و ناشی از خصصتهایی منفی و ناپسندی که بر تربیتهای غلط و بدآموزیهای در جان مردم ریشه دوانیده است. در اداره و تنظیم و ادامه شکل مطلوب این یا بهتر بگویم این کلاسهای درس عمومی بسیار مناسب است که از فضلاء و گویندگان حوزه های علمیه و نیز حوزه های محلی کمک گرفته شود و مطالب لازم زیر نظر عناصر عالیقدری چون حضرت عالی با نظم و نطقی که شایسته مردمی در چنین اوضاع و احوالی حساسیت تهیه و دسته بندی گردد و با ترتیب و برنامه ای معین در اختیار گذارده شود [ ۲ ] .

ساعتی که در یک شهر کوچک یا بزرگ چنین تمهیداتی با جدیت و تلاش انجام گیرد نطفه ای مستعد و رو به کمال سازمان روحانیت در آنجا منعقد گردیده است. امیدوارم وجود به راستی مبارك شما از توفیقات الهی و رحمت و عنایت و رعایتی که در همه لحظات [ ۳ ] برخوردار بوده و منشأ حرکت و تلاش و مجاهدتی در سطح عام آن سامان و نیز در سطح وسیع [ ۴ ] و شهرستانهای مجاور بوده باشند.

با سلام و اظهار اخلاص مجدد سخن مطول خود را کوتاه می کنم

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

سیدعلی خامنه ای

۲ رجب ۱۳۹۸ خرداد ماه ۱۳۵۷

۱. کلمه مورد نظر خوانا نیست.

۲. کلمه مورد نظر خوانا نیست.

۳. کلمه مورد نظر خوانا نیست.

۴. کلمه مورد نظر خوانا نیست.

